ادامه از صفحه ۷

خانوادگی «ژن» قصه‌گویی داریم

نظرتان درباره سبک داوود نژاد چیست؟

زهرا: به نظرم داستان این است که آنچه که همیشه از پدرم یاد گرفته‌ام این بوده که خواسته بگوید سبک زندگی خودتان را پیدا کنید اما در آن سبک بدانید خط اصلی کجاست.

پدر برای شما اسطوره شده؟

زهرا: ایشان منبع تولید است. ما از ایشان تکثیر شده‌ایم.

منظورم این است که ایشان کسی است که نمی‌شود در اعماق زندگی‌تان نادیده‌شان بگیرید.

زهرا: اگر تلاش هم کنیم، نمی‌شود.

عشق به سینما در خانواده شما موروثی است؟

زهرا: شاید هم عشق به سینما بدشانسی من بوده و شاید هم از خیلی چیزها محروم شده‌ام. البته از آنچه برایم اتفاق افتاده راضی‌ام و خدا را شاکرم. اما این شیفتگی من به سینما همه چیز را برایم در مرحله بعدی قرار داده. ما در خودمان هم سینما را زندگی می‌کنیم. بعضی اوقات ناخودآگاه وقتی در حال صحبت با هم هستیم مثلا من پدرم را با کادر می‌بینم. ما مدام در حال تصویرسازی در ذهنمان هستیم

داوودنژاد: چون فرزندانم خیلی زود با قاب و عکاسی آشنا شدند.

زهرا: من عکس‌های ۱۰روزگی‌ام را دارم. بیش از ۳۰۰، ۴۰۰ عکس از ۱۰روزگی تا ۱۰، ۱۱سالگی دارم. هرکدام از عکس‌ها برای خودشان یک قصه هستند

داوودنژاد: و خیلی زود دوربین به دست گرفتند.

زهرا: چندوقت پیش احساس کردم پدرم طوری درباره «کلاس هنرپیشگی» صحبت می‌کرد که انگار این فیلم باید فیلم بازنشستگی‌اش باشد و احساس کردم دیگر نمی‌خواهد کار کند. در این مصاحبه که اشاره کردید این اثر هجدهمین کار ایشان است می‌خواستم اشاره کنم تا ۲۰ هنوز دو نمره دیگر باقی مانده.

داوودنژاد: امروز صحبتش بود برای جشنواره امسال یک فیلم کار کنم.

با این حال امید زیادی دارید؟

زهرا: یکی از مواردی که در قصه‌های مادربزرگم وجود داشت، امید بود.

آقای داوودنژاد می‌دانم که شما در این سینما سخت کار کردید.

داوودنژاد: بله.

زهرا: ۱۲ساله بودم و پدرم به من گفت «نازپروردتنعم نبرد راه به دوست/عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد» اصلا آن زمان متوجه معنای این شعر نبودم. یا اینکه روزی به من گفتند آنچه را برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران هم نپسند.

با همین نگاه پدر خیلی سخت کار کرد. به‌نظر می‌رسد در فیلم‌های پدرتان «کلاس هنرپیشگی» به دلتان نشسته.

زهرا: در کل چهار کار با هم کرده‌ایم. در «عاشقانه» منشی صحنه بودم. «بچه‌های بد» را بازی کردم. در «هوو» دستیار کارگردان و «کلاس هنرپیشگی» را هم بازی کردم. حدود ۵۰ کاری که انجام داده‌ام همراه با ایشان نبوده. اما کارهایی هم که کرده‌ام هیچ‌کدام مانند «کلاس هنرپیشگی» نبود چون در این فیلم فاکتوری را به‌عنوان پدر و دختر از خودم گرفتم و واقعا برای من صرفا یک کارگردان بود که با ایشان کار می‌کنم. نمی‌دانم مردم چطور اینطور ساده‌لوحانه در مورد این فیلم نظر می‌دهند. فکر کنید همه افراد در مناسبات خانوادگی‌شان چالش‌ها و اختلاف‌نظرهایی دارند ما هم همین‌طور. من و پدرم در مناسباتمان هزار اختلاف داریم و باید این مناسبات در نظر گرفته نشود و جدا کردن این مرز خیلی سخت است.

آقای داوودنژاد واقعا اعصاب پولادین داشتید که این فیلم را ساختید؟

داوودنژاد: بله ۱۵کیلو وزن کم کردم.

زهرا: اصلا فکر می‌کنم در طول سه‌ماه فیلمبرداری پدرم همان پدر همیشگی نبود.

داوودنژاد: من وقتی وارد سینما شدم خیلی از کسانی که الان در این کار هستند بعد از من وارد شدند و جز یک اقلیت که الان دیگر نیستند منزلت یک هنرمند را برای افرادی نظیر من قایل نبودند و یک جور اصرار به تحقیر و نفی و طرد و منزوی‌کردن من را داشتند. می‌دانستم باید مقاومت کنم. یعنی اگر یک مقدار پوستم نازک بود و ایستادگی نمی‌کردم باید می‌گذاشتم و می‌رفتم. من با سماجت طاقت‌فرسایی در این حرفه ماندم.

زهرا: برای اینکه به نظرم آرمان‌ها و هدف و رسالت شما آنقدر برای خودتان قوی و خواستنی بوده که پیگیری هم کرده‌اید.

به هر جهت عمرتان را برای این کار گذاشتید.

داوودنژاد: روزی ما زخوان قدر این نواله بود.

زهرا: یک موهبت.

داوودنژاد: نمی‌دانم، یک کشش مقاومت‌ناپذیر مرا به طرف سینما می‌کشاند و نمی‌دانم چرا فکر می‌کردم سینما خیلی مهم است. امروز فهمیده‌ام که یکی از مهم‌ترین عواملی که در مناسبات جهانی می‌تواند زمینه‌ساز توزیع قدرت باشد سینماست.

زهرا: «کلاس هنرپیشگی» مانند همان انرژی هسته‌ای است که ما سانتری فیوژهایش هستیم.

داوودنژاد: (می‌خندد) وقتی راش‌ها را دیدم ناخودآگاه گفتم راش‌های غنی‌شده!



وداع خاموش با «رضا خمسه‌ای»

خیمه‌شب‌بازی به سوگ نشست

شرق: رضا خمسه‌ای، «اوستا» و پدر مبارک خیمه‌شب‌بازی، سرانجام بعد از یک دوره طولانی بیماری چهار صبح ۱۵ مهر در بیمارستان فیروزآبادی درگذشت. سایه مرگ این روزها بر تئاتر آیینی سنتی ایران افتاده است. هنوز شش‌ماه نشده که سعدی افشار هنرمند تئاتر تخت‌حوضی با همه دردهایش رفت. هنوز جای خالی محمود استادمحمد حس می‌شود و جای مرشد ولی ترابی پر نشده. حالا مرگ به سراغ تئاتر خیمه‌شب‌بازی آمده و استاد رضا خمسه‌ای را با خود برد. هنرمندی که برای اهل تئاتر نام و نشانش گم نبود. پیرمرد مهربانی که با ضربش مبارک را همراهی می‌کرد. جشنواره عروسکی دوره چهاردهم بود که در اجرایی به‌کارگردانی بهروز غریب‌پور روی صحنه آمد. عروسک‌گردانی مبارک را مریم اقبالی انجام می‌داد و رضا خمسه‌ای در کنار صحنه نشسته بود و ضرب می‌زد و با مبارک صحبت می‌کرد؛ اما رضا خمسه‌ای هم مانند خیلی از هنرمندان آیینی سنتی با همه تلاش‌هایی که کسانی چون بهروز غریب‌پور و هنرمندان عروسکی کردند، در تنهایی و فراموشی و بیماری رفت. اگر خبری که توسط فرزندانش در روزهای آخری که در سی‌سی‌یو بستری بود، منتشر نشده بود؛ امروز در بی‌خبری و گمنامی به خانه ابدی رفته بود. هرچند پیکرش بدون هیچ برنامه‌ای همان دیروز از بیمارستان فیروزآبادی در شهرری تا بهشت‌زهرا تشییع شد و در گوشه‌ای از قطعه هنرمندان به خاک سپرده شد.

رضا خمسه‌ای متولد سال ۱۳۱۳ بود. از خانواده‌ای اهل تئاتر و آیین‌های نمایشی. فرزند مرشد احمد خمسه‌ای، از هنرمندان تئاتر تخت‌حوضی و خیمه‌شب‌بازی. خمسه‌ای میراثدار گونه‌ای نمایشی بود که داشت از میان می‌رفت. دیگر کمتر کسی بود که خیمه مبارک را برپا می‌کرد و به‌همراه این سیاه بازیگوش شیطان برنامه اجرا می‌کرد. اما تا سال‌ها همراه پدر خود در باغ گلستان و کافه شهرداری همین جایی که حالا خیمه تئاتر ایران یعنی تئاترشهر برپاست، اجرای برنامه می‌کرد. او بعد از درگذشت مرشد احمد خمسه‌ای، فعالیت خیمه‌شب‌بازی را ادامه داد و بارها به نمایندگی از ایران در جشنواره‌های مختلف جهانی نمایش عروسکی شرکت کرد. خمسه‌ای بازی در فیلم سینمایی «سفر مردان خاکستری» امیرشهاب رضویان را نیز در کارنامه هنری خود دارد. فیلمی که مسوولان جشنواره فیلم کودک اصفهان می‌گویند قرار است در این دوره از جشنواره به نمایش درآید.

رضا خمسه‌ای اما چند سال پیش با «قصه‌های مبارک» به‌کارگردانی بهروز غریب‌پور ایفای نقش کرد و گونه اصیل خیمه‌شب‌بازی را به نمایش گذاشت. در قصه‌های مبارک رضا خمسه‌ای به آموزش خیمه‌شب‌بازی نحوه اجرای آن به شیوه قاجاریه برای کودکان و نوجوانان و علاقه‌مندان هنرهای نمایشی می‌پرداخت. فیلمی که سال‌های گذشته منتشر شد و در هجوم خالفه‌ها و عموها گم شده است. اما این یادگار بزرگی از رضا خمسه‌ای است که باقی مانده است. به‌دنبال انتشار خبر درگذشت رضا خمسه‌ای استاد تئاتر خیمه‌شب‌بازی علی مرادخانی، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی این ضایعه را به اهالی هنر تسلیت گفت. در این پیام آمده است: «در فصل بارش و باران، روحی هنرمند و ذایقه‌ای ظریف، دست از حیات کشید تا در مرور این فصل ناب، جوشش‌های هنرمندانه را با نام رضا خمسه‌ای بیامیزد. او رفت، اما یادگاری‌های او همچنان و همواره بالنده است. تسلیت و تعزیت خویش را برای فراق آن گرامی تقدیم باقی همراهان هنری عزیز از دست‌رفته‌مان می‌کنم.» قادر آشنا، رییس مرکز هنرهای نمایشی نیز در پیامی درگذشت این استاد تئاتر را تسلیت گفت.



عکس‌ها: شرق

تایید گمانه‌زنی «شرق» درباره انتخاب «معاون فرهنگی» وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

«عباس صالحی» از مشهد به بهارستان آمد

فرزانه ابراهیم‌زاده: پیامکی که صبح روز دوشنبه از سوی روابط‌عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارسال شد؛ سرانجام تکلیف معاون فرهنگی را روشن کرد. به این ترتیب سیدعباس صالحی رسما عهده‌دار این سمت شد. صالحی گزینه‌ای بود که در گزارش هفته گذشته «شرق»، به‌عنوان مهم‌ترین گزینه جنتی در این سمت معرفی شده بود؛ هرچند به‌دنبال چاپ آن گزارش، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری‌ها گفت که هیچ گزینه‌ای قطعی نشده است. جنتی از بدو حضور در ساختمان بهارستان، از تاخیر در اعلام معاونت فرهنگی ابراز نگرانی و تاکید کرده بود انتخاب فردی که از نظر مدیریتی توانایی حل مشکلات فرهنگی را داشته باشد و بتواند با اهل فرهنگ وارد تعامل شود، کاری بسیار مشکل است. در ۵۰روزی که از حضور وی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گذرد بیشترین گمانه‌زنی‌ها و گزینه‌ها در مورد این معاونت مطرح شد؛ گزینه‌هایی که بعد از مدتی حضورشان در معاونت فرهنگی منتفی می‌شد. در نهایت هم قرعه به نام صالحی افتاد؛ چهره‌ای که تا پیش از این کمتر نامش در محافل فرهنگی شنیده شده بود.

سیدعباس صالحی چهره ناشناسی برای اهالی فرهنگ است. اطلاعات در مورد او محدود است به رزومه‌ای که در سایت دانشوران و یکی، دو سایت دیگر منتشر شده است. او در سال ۱۳۴۲ در مشهد به دنیا آمده و دکترای فلسفه دارد و سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه مشهد شده است. صالحی دروس مقدماتی، سطوح مقدماتی و عالی را در حوزه علمیه مشهد گذراند و مانند جنتی به حوزه علمیه قم عزیمت کرد و دروس خارج را تا سال ۶۸ در آن حوزه گذرانید. صالحی از سال۷۸ مدیرمسوولی و سردبیری فصلنامه «پگاه» را برعهده داشت که تاکنون ۱۷۶ شماره از آن منتشر شده است. گزینه احتمالی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین تالیفاتی از جمله «تفسیر راهنما»، کتاب «حوزه و روحانیت» و «دانشگاه و دانشجو» داشته است، البته ۲۲ مقاله هم نوشته که از آن جمله می‌توان به، ابوذر امام، اسوه امام، امام و سلوک تفسیری و... اشاره کرد.

حالا با حکم رسمی از صبح امروز صالحی به دفتر معاون فرهنگی در ساختمان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بهارستان می‌رود و این سمت را از علی اسماعیلی تحویل می‌گیرد. هرچند که علی اسماعیلی در یکسال گذشته به‌دنبال برکناری بهمن دری از سمت معاونت فرهنگی، به‌عنوان «سرپرست»، عهده‌دار این سمت شده بود؛ معاونتی که مشکلات زیادی دارد. ممیزی سلیقه‌ای و بی‌رویه‌ای که در هشت‌سال گذشته کمر فرهنگ را خم کرده باعث دلگیری و قهر و خانه‌نشینی بسیاری از اهالی فرهنگ شده است تا جایی که یکی از وعده‌های انتخاباتی حسن روحانی حل این مشکلات بود. جنتی پیش از گرفتن رای اعتماد از مجلس گفته بود ممیزی پیش از انتشار را برمی‌دارد؛ وعده‌ای که بعدها منتفی شد. اما سه‌روز پیش جمعی ۲۱۵نفره از اهالی فرهنگ و هنر در نامه‌ای سرگشاده به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از او خواستند سانسور را بردارد و کار را به اهالی فرهنگ بسپارد. به‌هررو، ممیزی یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی معاون فرهنگی جدید است. از جانب دیگر در چندماه پیش‌رو باید فکری به حال وضعیت کاغذ و بالا رفتن قیمت کتاب کند ضمن اینکه در شش‌ماه آینده باید مدیریت نمایشگاه بین‌المللی کتاب را به‌دست گیرد؛ مهم‌ترین رویداد فرهنگی عرصه کتاب که از سال‌های گذشته با حجم زیادی از بدهی‌ها روبه‌رو بوده و بسیاری از ناشران خارجی هنوز بدهی‌های سال‌های قبل را نگرفته‌اند. با انتصاب صالحی ترکیب معاونان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کامل می‌شود و حالا باید در انتظار تغییراتی در سطح مدیران کل بود.

خبرسازان

از سوی شورای نظارت بر صداوسیما

کلاه‌پهلوی تذکر گرفت

شرق: پخش قسمت‌های اخیر سریال «کلاه‌پهلوی» انتقاد شورای نظارت بر سازمان صداوسیما را برانگیخت و این شورا خواستار اصلاحاتی در این سریال شده است.

حدود یک‌سال از پخش سریال «کلاه‌پهلوی» می‌گذرد. این سریال که به‌کارگردانی سیدضیاءالدین دری و تهیه‌کنندگی محمدرضا تخت‌کشیان روزهای جمعه ساعت ۲۲ از شبکه اول سیما پخش می‌شود، بخشی از تاریخ ایران مربوط به دوران پهلوی را به تصویر کشیده است اما شورای نظارت بر سازمان صداوسیما در متنی که روی پایگاه اطلاع‌رسانی خود قرار داده است، نشان‌دادن روابط غیراخلاقی، استعمال مشروبات الکلی و اختلاط زن و مرد در این سریال را از جمله مواردی عنوان کرده است که باید مورد اصلاح و تذکر قرار بگیرند. در بخشی از این متن آمده است: «شورای نظارت بر سازمان صداوسیما ضمن انتقاد شدید از نمایش عریان و قبح‌شکنانه مفاسد اخلاقی برخی شخصیت‌های حاضر در سریال کلاه‌پهلوی در چند قسمت اخیر که برخلاف موازین شرعی بوده و موجبات اعتراض مخاطبان را فراهم آورده است، خواستار اصلاح مواردی شد.»

زیر آسمان فیروزه‌ای

نخستین «جایزه مستقل کتاب سال غزل» اهدا می‌شود

شرق: مراسم پایانی نخستین دوره جایزه مستقل کتاب سال غزل جمعه برگزار می‌شود. نامزدهای بخش کتاب سال (ویژه کتاب‌های منتشرشده در سال‌های ۹۰ و ۹۱) که یکم مهر در سالروز تولد حسین منزوی معرفی شدند، عبارتند از: «مشق‌های بلاتکلیف» (عبدالحسین انصاری)، «همسایه‌ای در ماه» (رویا باقری)، «با خودم بودم» (سعید حیدری‌ساوجی)، «تناسخ به درخت» (پوریا سوری)، «قطار ساعت هفت» (جواد کلیدری) و «از لای لیوان‌ها» (سارا ناصرنصیر). همچنین در بخش ویژه این جایزه که فراخوان آن، یکم اردیبهشت، همزمان با روز سعدی اعلام شده بود، مجموعه غزل‌های منتشرنشده غزل آزادمقدم، مرضیه فرمانی و مهدی مهدوی به‌عنوان نامزد نخستین دوره معرفی شده‌اند. مراسم یادشده از ساعت ۱۶ روز جمعه ۱۹ مهر در سرای کاووسیه، واقع در خیابان ولیعصر(عج)، بالاتر از تقاطع میرداماد، خیابان قبادیان، شماره ۵۳، برگزار خواهد شد.

نقش ماندگار خمسه‌ای در «خیمه‌شب‌بازی»



داوود فتحعلی‌بیگی
رییس کانون تئاتر آیینی

برادران احمدی و خمسه‌ای در معرفی و ماندگارشدن خیمه‌شب‌بازی نقش مهمی داشتند. پدر مرحوم رضا خمسه‌ای نیز از معروف‌ترین خیمه‌شب‌بازهای دوران خود بود که این هنر را از پدرش به ارث برده بود.

رضا خسمه‌ای نیز طی این سال‌ها با حضور در جشنواره‌ها و برنامه‌های مختلف نقش زیادی در حمایت از خیمه‌شب‌بازی داشت.

حتی امسال نیز می‌خواستیم او را در جشنواره آیینی - سنتی دعوت کنیم که متاسفانه به دلیل کسالت اینطور نشد اما برادر و برادرزاده‌های رضا خمسه‌ای، نمایش‌هایی را در این جشنواره اجرا کردند که با توجه به حضور این جوانان در عرصه خیمه‌شب‌بازی می‌توان گفت سه نسل از این خانواده برای حفظ و نگهداری اینگونه هنرهای نمایشی تلاش کرده‌اند.

البته خوشبختانه در سال‌های اخیر تعدادی جوان بوده‌اند که خیمه‌شب‌بازی را یاد گرفته‌اند و تاحدودی مهارت لازم را برای اجرای نمایش‌های عروسکی و خیمه‌شب‌بازی کسب کرده‌اند اما توجه به این نکته ضروری است که برای نگهداری و تداوم خیمه‌شب‌بازی و هنرهای آیینی - سنتی نیازمند اجراهای مداوم و مستمر هستیم. تا وقتی نیروهایی تربیت شوند که شرایط اجرای مستمر و مداوم را نداشته باشند، هر چقدر هم که خیمه‌شب‌بازی یا اینگونه از نمایش‌ها را آموزش دهیم، نمی‌توانیم امیدوار باشیم که به نتیجه دلخواه رسیده‌ایم و با این شرایط جریان خیمه‌شب‌بازی کشور حفظ نمی‌شود. باید مکانی برای اجرای این نمایش‌ها در اختیار جوانان قرار داده شود تا آنها بتوانند به‌صورت مداوم کارهای خود را روی صحنه ببرند و به این نحو، روزنه امیدی در دلشان به‌وجود بیاید تا به‌مرور مخاطبان این نوع نمایش‌ها را با خود همراه کنند.

متاسفانه درحال حاضر نه‌تنها در مورد خیمه‌شب‌بازی بلکه در مورد نمایش‌های عروسکی نیز کم‌توجهی زیادی می‌شود و آنطور که باید این هنرها مورد حمایت قرار نمی‌گیرند.

ما نباید تنها به برگزاری جشنواره‌ها در این زمینه اکتفا کنیم و باید با اختصاص سالن و تربیت نسل جوان زمینه‌های رشد و بروز نمایش‌های عروسکی را فراهم کنیم.

ادامه از صفحه اول

آنها که بودند، آنها که نبودند

اما می‌دانم بسیاری از نویسندگان پابه‌سن‌گذاشته‌مان نه از طریق اینترنت و نه از طریق حضور در کافه‌ها و کلاس‌ها و برخورد حضوری و غیره و غیره، تماسی با نویسندگان جوان‌تر ندارند و سرشان انگار بیشتر توی کار خودشان است (درست یا غلطش را کاری ندارم). سرانجام همین‌ها باعث می‌شود که چنین نامه‌ای را نه‌فقط تهیه نکنند (و کار به دست شاید نسل بعدتر از خودشان بیفتد)، که آن را امضا هم نکنند، یا اصلا آنقدر دور از دسترس باشند (عینی و مجازی) که نامه به دستشان هم نرسد، یا به هر دلیل دیگر، به‌هرحال خودش نشان‌دهنده مقداری گسست نسلی است.

می‌گویم مقداری، چون به‌هرحال نام تعدادی پای نامه هست و اگر هم نیست، به‌هرحال یکی، دونفری درباره نامه یا موضوع سانسور، همین‌روزها حرف زده‌اند در مطبوعات و رسانه‌ها.

از این زاویه است که این نامه می‌تواند یک‌جور هشدار و کنکاش هم باشد درباره همین گسست نسلی. هشدار به که؟ به نویسندگان جوان‌تر؟ نه. به دوستانی که خودشان را پیشکسوت می‌دانند (اصطلاحی که خودم از آن بدم می‌آید، چون با فرهنگ نسبتی ندارد و آدم را یاد گود زورخانه می‌اندازد)، به نویسندگان پابه‌سن‌گذاشته‌ای که دانسته‌هایشان را انگار با دوستان جوان‌تر شریک نمی‌شوند و از آنها یاد هم نمی‌گیرند و بی‌خبر می‌مانند از اتفاقاتی که در نسل جوان‌تر دارد می‌افتد و تازه در آخر انتظار دارند که بالای مجلس هم جایشان باشد؛ فارغ از اینکه با این عدم حضورها و گسست‌ها اصلا مجلسی باقی نمانده که کسی بالا یا پایینش بنشیند و اگر هم باشد، آنها می‌توانند بالایش بنشینند، اما کسی چیزی بهشان جز سلام نخواهد گفت و همه سر به کار خود خواهند داشت.

هونام
نسل جدید کاغذ دیواری
بزرگترین طراح و تولید کننده کاغذ دیواری و پرده های تصویری (سفارشی)
چاپ و نصب تصویر ذهنی شما ... ! تخصص ماست
در متفاوت بودن پیش قدم باشید
نمونه لور در اپه
نمونه شید رول
نمونه کاغذ دیواری
صد در صد قابل شستشو
ماندگاری و ثبات رنگ در طول زمان
دارای استانداردهای کیفیت
آنتی باکتریال و آنتی استاتیک
سازگار با سیستم تنفسی
پوشش مناسب برای رفع معایب دیوار
تنوع طرح و کیفیت بی نظیر تصویر
اجرای طرح دلخواه و سفارشی در ابعاد آزاد
آدرس : سعادت آباد. خیابان سی ام. پلاک ۲. طبقه ۲
تلفکس : ۸۸۵۸۴۱۲۳-۸۸۶۸۸۱۱۱(۰۲۱)
همراه : ۰۹۳۳۷۸۰۸۲۸۳
www.هونام.com
www.ntpiran.com
info@ntpiran.com
تنها دارنده گواهینامه ISO 9001-2008 (استاندارد مدیریت کیفیت)
و گواهینامه ISO 10004-2012 (استاندارد رضایتمندی مشتری)
پذیرش نمایندگی فعال از سراسر کشور